

## نقد و بررسی نقش برنامه درسی دوره متوسطه حرفه‌ای، در توانمندسازی شغلی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، از دیدگاه کارشناسان ستادی، متخصصان برنامه‌ریزی درسی و دبیران ذیربط

دکتر معصومه السادات ابطحی<sup>۱</sup>

### چکیده:

هدف این پژوهش بررسی میزان تقویت توانمندسازی شغلی در برنامه درسی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه کارشناسان ستادی سازمان آموزش و پرورش استثنایی، کلیه متخصصان برنامه‌ریزی درسی در مقطع متوسطه حرفه‌ای و کلیه دبیران مقطع متوسطه کم‌توان ذهنی استان قزوین می‌باشد که از بین آنان به ترتیب (40)، (80)، (93) نفر به عنوان نمونه آماری و به شیوه تصادفی ساده و از طریق فرمول کوکران انتخاب شدند. ابزار پژوهش در این بررسی پرسشنامه محقق ساخته بود که پایایی آن بر اساس آلفای کرانباخ ( $0/95=$ ) محاسبه و روایی آن بر اساس نظریه اساتید صاحب نظر مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد دبیران بر خلاف کارشناسان ستادی و متخصصان برنامه‌ریزی درسی معتقدند برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای با علایق و رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان دوره متوسطه حرفه‌ای تناسب کمتری دارد، کمتر توانسته فارغ‌التحصیلان را به خود کفایی فردی برساند و در توانبخشی حرفه‌ای دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی نقش کم‌رنگی ایفا نموده است.

---

<sup>1</sup> گروه علوم تربیتی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان.

## کلید واژه‌ها:

دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش پذیر، مقطع متوسطه حرفه‌ای، مهارت‌های عمومی، خودکفایی فردی، توانبخشی حرفه‌ای، رغبت‌های شغلی.

## مقدمه:

هدف آموزش به افراد دارای ناتوانی هوشی، آماده ساختن آنها برای زندگی اجتماعی و فراگیری مهارت‌های ضروری جهت داشتن یک زندگی مستقل یا با حداقل وابستگی است. (تکین ارسلان و ساکوگلو، 2007، شه ناصریان، 275: 2001، بریگر و همکاران، 523: 2009)، از ضروریات برنامه‌های آموزشی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه آن است که به آنان فرصتی بدهند تا توانایی‌هایشان را برای حمایت از خود به ظهور برسانند و در عین حال از یاس و ناامیدی آنان، از این که ممکن است نتوانند مانند دیگران در کارشان شایستگی پیدا کنند، جلوگیری نمایند. (گیلبراید، 17: 2000) هدف تمام برنامه‌های آموزشی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه آن است که آنان را برای نوعی شغل تربیت کند. بسیاری عقیده دارند که چون دانش‌آموزان با نیازهای ویژه نمی‌توانند در برخی مباحث تحصیلی شایستگی کامل کسب کنند یا موفقیتی به دست آورند، لذا بهترین برنامه آموزشی برای آنان این است که آنها را به نوعی کلاس کارآموزی حرفه‌ای بگمارند. معلمان دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، علاوه بر توجه به آموزش مهارت‌های پایه و تعدیل برنامه درسی، باید برای کار و حرفه‌ای در آینده توجه خاص داشته باشند و در نوجوان، نسبت به آینده به ویژه موضوع استخدام که برای آنان فایده بسیار دارد، بینش ایجاد کنند. (والاس و مک لافین، 2005، وورث و میلسام، 141: 2004) پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که به جای آن که شغل‌های خاصی را به این کودکان بیاموزند، بهتر است مهارت‌های اساسی لازم در مشاغل نیمه تخصصی یا غیرتخصصی را به ایشان آموزش دهند. (کرک و همکاران 2005)

امروزه به آموزش به صورت مقطعی نمی‌نگرند، به ویژه در مورد افراد کم‌توان ذهنی، آموزش و توانبخشی یک مقوله مادام‌العمر است که می‌تواند و می‌بایست گستره زندگی فرد از پیش از تولد تا پایان عمر را پوشش دهد. آموزش دانش‌آموزان دچار ناتوانی، تلاشی دایمی است که نیازمند مشارکت و همکاری میان دست اندرکاران مدرسه، والدین و خانواده، نهادهای اجتماعی رهبران دینی و متصدیان کسب و کار می‌باشد (جیم اسلایک، 2006، میچون، 408: 2005، گیلبراید، 22: 2000) از آن جا که یک فرد کم‌توان ذهنی، در تمامی مراحل زندگی به درجات مختلف و به انواع متنوعی از خدمات آموزشی و توانبخشی نیازمند و وابسته است، لذا نگرش مقطعی به آموزش حرفه‌ای، یکی از آسیب‌های اثربخشی آن است. آموزش حرفه‌ای از آموزش‌های رسمی آغازین تا آموزش‌های تکمیلی و نظارت و راهنمایی‌های حین کار را در بر می‌گیرد لذا نظام‌های آموزشی کارآمد و برنامه‌های آموزش شغلی اثربخش برای مراحل و موقعیت‌های مختلف زندگی فرد، طرح‌ها و راهبردهای به هم پیوسته و منسجمی را تدوین، اجرا و نظارت می‌نمایند که در مجموع، خودکفایی و تداوم شغلی و پایداری نسبی وضعیت فرد را تامین می‌نمایند. (دیچمن و همکاران، 326: 2008، میجر و همکاران، 523: 2009) موفقیت در کار و شغل به مهارت‌هایی بستگی دارد که فرد در مدرسه می‌آموزد. آموزش این مهارت‌ها باید از موقعی که کودک به مدرسه وارد می‌شود، شروع شود و تا هنگامی که وجود فرد به عنوان یک بزرگ سال در جامعه تثبیت می‌شود، ادامه یابد. (شه ناصریان، 281: 2001، میچون، 408: 2005)

در هر صورت باید به خاطر داشت که افراد کم‌توان ذهنی در بین کمبودهای سازشی در زمینه توانایی‌های شغلی، مشکلات بیشتری را به نمایش می‌گذارند (ویری و همکاران، 2004) حتی دانش‌آموزان با ناتوانی‌های خفیف نیز نسبت به دانش‌آموزان عادی، هم در طول دوره متوسطه حرفه‌ای و هم پس از آن میزان بالاتری از بیکاری را تجربه می‌کنند (جین ای رازقی، 1998) تلفیق به موقع آموزش شغلی و برنامه درسی ویژه، می‌تواند به دانش‌آموز کمک کند

تا درباره مشاغل موجود، مشاغل مورد علاقه و مشاغلی که علاقه‌ای به آنها ندارند، آگاه‌تر گردند. افزودن آموزش شغلی به برنامه درسی این احتمال را افزایش می‌دهد که فرایند برنامه انتقال انفرادی به فعالیتی منجر شود که این دانش‌آموزان بتوانند به طور مؤثری در آن شرکت کنند. (منبع پیشین، 1998) مطالعات نشان داده‌اند که برنامه‌های آموزش شغلی تحول محور، در افزایش شایستگی شغلی دانش‌آموزان در معرض خطر (فرانک و سینگلتون، 134: 2000) بهبود ابعاد دیگر مثل حضور مرتب در مدرسه و پیشرفت نمره‌ها، بهبود باورهایی درباره خود و دیگران و ادراک فرد از فرصت‌های آینده، موفقیت‌آمیز بوده‌اند. با مرتبط ساختن تحصیلات به کار و زندگی، برنامه‌ریزان می‌توانند اولین گام مهم در کمک به دانش‌آموزان با ناتوانی را برای ماندن در مدرسه بردارند. (گلاوو، 523: 2009) بدیهی است شایستگی شغلی در آنان نوعی توانمندی شغلی را نیز سبب می‌شود و مهم این است که این افراد، توانمندی شغلی را به منظور پیدا کردن کار، باقی ماندن بر سر کار، موفق بودن، داشتن زندگی مستقل در جامعه، انطباق هر چه بیشتر با جامعه به کار گیرند. (راس بیگی، 40: 1986) برنامه‌ریزان می‌توانند با وارد ساختن آموزش شغلی متناسب هر گروه در برنامه درسی، علاقه دانش‌آموزان به برنامه‌های روزمره‌شان را بیشتر نمایند و باعث شوند آنها به طور مؤثری به این برنامه‌ها بپردازند. (جین ای رازقی، 1998). با وجود تلاش‌های آموزش و پرورش استثنایی ایران در زمینه توانمندی سازی شغلی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر جهت داشتن یک زندگی سالم و سازگارانه، متأسفانه این گروه از نظر شاخص‌های کسب مهارت‌های توانمندی شغلی دچار مشکلاتی در زندگی می‌باشند. بریگر و همکاران، مهارت‌های توانمندی شغلی در گروه کم توان ذهنی را در سه طبقه شامل مهارت‌های انطباقی، مهارت‌های اساسی و مهارت‌های فنی سازماندهی نموده‌اند. مهارت‌های انطباقی شامل فاکتورهایی نظیر خواندن، نوشتن، انطباق‌پذیری می‌باشد، مهارت‌های اساسی در برگیرنده مهارت‌های اجتماعی، تکنولوژیکی و مهارت‌های تحلیلی می‌باشد و سطح

مهارت‌های فنی هم شامل تبحر فرد در رشته کاری است. (بریگر و همکاران، 531: 2009) لینچ در توضیح و تفسیر توانمندی شغلی، کارکنانی را به لحاظ شغلی توانمند می‌داند که از توانایی‌ها و مهارت‌های فنی و فرایندی برخوردار باشند، از دانش نظری و تخصصی خود در محیط واقعی کار استفاده کنند، از مهارت‌ها و شایستگی‌های کلیدی برخوردار باشند. ترکیبی از ویژگی‌های شناختی و غیرشناختی را دارا باشند (لینچ 2000: 150). نایت و یورک (2002) توانمندی شغلی را ترکیب سینرژیک کیفیت‌ها و صلاحیت‌های فردی، مهارت‌های فنی و فرایندی و مهارت‌ها و شایستگی‌های کلیدی می‌دانند. (ریچنز و مک لین: 24: 2002) زولینگن، ابعاد توانمندی شغلی را در شش بعد عمده تقسیم می‌کند که عبارتند از: 1- بعد عمومی، 2- بعد شناختی 3- بعد شخصیتی 4- بعد اجتماعی - ارتباطی 5- بعد اجتماعی-هنجاری 6- بعد استراتژیک (زولینگن 2009: 35) کنفرانس بوارد کانادا، مهارت‌ها و شایستگی‌ها و توانمندی‌های شغلی مورد نیاز بازار کار را در سه دسته اصلی تقسیم‌بندی نموده است؛ که شامل مهارت‌های آکادمیک، مهارت‌های مدیریت فردی و مهارت‌های کار گروهی است (کنفرانس بوآرد، 2000). یونسکو و سازمان جهانی کار در طی توصیه نامه‌ای، توانمندی شغلی کارکنان را این گونه توصیف می‌کند: «افراد با دارا بودن مهارت‌های اکتسابی بنیانی شامل کار گروهی، حل مسأله، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، مهارت‌های یادگیری چگونه آموختن می‌توانند در موقعیت‌های شغلی و حرفه‌ای، بسیار کارا تر و مولدتر عمل کنند. این ترکیب مهارت‌ها، افراد را برای پذیرش تغییرات در دنیای کار آماده می‌سازد (بیانیه یونسکو، 2009: 26) جینر گروه‌بندی زیر را از توانمندی شغلی ارایه می‌دهد:

-شایستگی‌های فردی: ریاضیات خواندن، و نوشتن، مهارت‌های ارتباطی  
-قابلیت اعتماد: اخلاق و مدیریت فردی، رشد حرفه‌ای و مسئولیت پذیری

مهارت‌های اجتماعی: توانایی‌های سازمانی، توانایی در مذاکره، کار گروهی (لانکار، 2008، 3-1) دیکشنری عناوین شغلی فردریک پریور،

نقد و بررسی نقش برنامه درسی دوره متوسطه ...

توانایی‌های مورد نیاز نیروی کار را در دو دسته مهارت‌های شناختی و مهارت‌های تعاملی معرفی می‌کند (وویتک، 1996: 25) کنفرانس بوآرد کانادا در طی گزارشی، مهارت‌های مورد نیاز بازار کار را در سه دسته: مهارت‌های آکادمیک شامل ارتباط، تفکر و یادگیری و... مهارت‌های مدیریت فردی شامل نگرش و رفتار مثبت، مسئولیت‌پذیری و سازگاری و... و مهارت‌های کار گروهی شامل توانایی کارکردن با دیگران و... دسته بندی کرده است. (کنفرانس بوآرد کانادا، 2000: 135)

دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش و سازمان آموزش و پرورش استثنایی در سال 87 اهداف آموزش به افراد کم‌توان ذهنی آماده به کار (متوسطه حرفه‌ای) را در قالب دستیابی به خودکفایی اجتماعی و اقتصادی و ارتقاء انگیزه کار و فعالیت و کسب مهارت‌های شغلی دانش‌آموزان با تأکید بر توان بخشی حرفه‌ای عنوان نمود (آیین نامه دوره متوسطه حرفه‌ای، 1388: 3-4) با توجه به موارد ذکر شده می‌توان گفت؛ توانمندی شغلی در دانش‌آموزان کم توان ذهنی، شامل نهادینه شدن دانش (آن چه فرد می‌داند)، مهارت‌ها (آن چه به وسیله دانسته‌های خود انجام می‌دهد) و نگرش‌ها (چگونه از مهارت‌های خود استفاده می‌کند) می‌باشد (هلیج، 2009: 17) این مهارت‌ها به افراد عقب مانده ذهنی کمک می‌کند تا در محیط‌های اجتماعی بازخورد مثبتی دریافت کنند. از روبرو شدن آنها با بازخوردهای منفی جلوگیری می‌کند و برقراری روابط بین فردی را برای آنها تسهیل می‌نماید. (تیکن ارسلان و ساکوگولو 22: 2007) اما شایان ذکر است که نیازمندی به وجود توافق میان گروه‌ها و افراد مختلف درگیر در تعیین سیاست‌های کلی و اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی و توانبخشی از ضروریات است. (هاکیم و وینبلات 1993) به عبارت دیگر اعضای گروه برنامه آموزشی حرفه‌ای، مجموعه‌ای هستند متشکل از متخصصان برنامه‌ریزی درسی، کارشناسان، دبیران و متخصصان حرف و مشاغل مختلف موجود در اجتماع و نقش کلیدی هیچ گروهی را نمی‌توان نادیده گرفت و هر یک از این افراد دیدگاه‌های خاص خود را دارند. (فنیدلی، 1967)

قدرت اثرگذاری و تصمیم‌گیری باید به طور مساوی میان این بخش‌ها تقسیم شود. هر نوع عدم تساوی، باعث ایجاد کم شدن حق و اثرسایر گروه‌ها خواهد شد. (جونز، 426: 2008) اما باید دانست که آموزش هیچ حوزه یا مهارتی ضرورت و اولویت پیدا نمی‌کند مگر آن که ارتباط آن با نیازهای زندگی روزمره فرد محرز گردد. علاوه بر کاربردی کردن محتوا، شیوه آموزش، نیز باید کاربردی باشد. به بیان دیگر، آموزش باید منجر به توانمندسازی افراد کم‌توان ذهنی گردد. (جیم اسلایک، 2006) تحقیقات صورت گرفته در زمینه دوره مهارت‌های حرفه‌ای در ایران بیانگر آن است که نیل به اهداف توانمندسازی شغلی در صحنه عمل چندان مورد تأیید قرار نگرفته و میزان دستیابی دانش‌آموختگان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر به توانمندسازی شغلی، فقدان یا کمبود آن را نشان می‌دهد. (بهراد، 1383: 35).

شهرامی و متقیانی (1385) در تحقیقات خود نشان دادند که نیل به اهداف استقلال اجتماعی و اقتصادی با ارائه آموزش‌های صرفاً تئوریک به ویژه از نوعی که در مقاطع تحصیلی آموزش و پرورش استثنایی ایران ارائه می‌گردد، امکان‌پذیر نیست؛ بلکه آموزش‌های کاملاً کاربردی و مهارت‌مداری لازم است که نیازهای فرد معلول را به عنوان یک عضو جامعه مد نظر قرار دهد. (شهرامی و متقیانی، 1385: 7)

(بهراد 1383)، نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که گر چه اقدام برگزاری کلاس‌های حرفه آموزشی در مقاطع مختلف اقدام صحیحی است؛ اما محتوای کتاب‌ها نیاز به غنای بیشتری دارد تا موجب افزایش مهارت‌های زندگی روزمره افراد عقب‌مانده ذهنی گردد. با توجه به موضوعاتی که مطرح گردید مسأله اساسی پژوهش حاضر، این است که آیا برنامه درسی دوره متوسطه حرفه‌ای موجب توانمندسازی شغلی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی (آموزش‌پذیر پسر) شده است؟ از این رو هدف کلی پژوهش حاضر، بررسی میزان تقویت توانمندسازی شغلی در برنامه درسی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر پسر می‌باشد که مقوله توانمندی شغلی در برنامه درسی

نقد و بررسی نقش برنامه درسی دوره متوسطه ...

دانش‌آموزان کم توان ذهنی به کسب دو فاکتور دانش و مهارت منتهی می‌شود در این زمینه 3 سوال پژوهشی طراحی و بررسی می‌گردد.

- آیا برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای متناسب با علایق و رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان می‌باشد؟

- آیا برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای، فارغ‌التحصیلان این مقطع را به خود کفایی فردی می‌رساند؟

- آیا برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای بر توانبخشی حرفه‌ای دانش‌آموزان تأکید دارد؟

روش شناسی پژوهش: جامعه آماری این تحقیق را کلیه کارشناسان ستادی سازمان آموزش و پرورش استثنایی (45 نفر) نفر کلیه متخصصان برنامه‌ریزی درسی در زمینه مقطع متوسطه حرفه‌ای (100 نفر)، کلیه دبیران که در مقطع متوسطه حرفه‌ای به سال 89-88 در استان قزوین مشغول به خدمت می‌باشند (120 نفر)، تشکیل می‌دهد. بر این اساس تعداد 80 نفر متخصص برنامه‌ریزی درسی، 40 کارشناس ستادی و 93 دبیر، نمونه آماری مورد نظر را تشکیل می‌دهد که برای تعیین حجم نمونه آماری از فرمول کوکران:

$$N = \frac{\frac{(t)^2 (A)}{(d)^2}}{1 + \frac{1}{N} \left\{ \frac{(t)^2 (A)}{(d)^2} - 1 \right\}}$$

استفاده گردیده، پرسشنامه به تمامی افراد نمونه ارائه شد و پس از جمع آوری کامل، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

به دلیل محدود بودن مدارس حرفه آموزی، محقق در تحقیق حاضر از شیوه تصادفی ساده استفاده نموده است. جهت جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پژوهش، در این مرحله، علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای که به منظور دستیابی به پیشینه پژوهش انجام گردیده، از پرسشنامه نیز به عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است که شامل 44 گویه درباره عناصر برنامه درسی (هدف،



محتوا، روش، ارزشیابی، زمان و محیط) دوره متوسطه حرفه‌ای دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر می‌باشد این پرسشنامه محقق ساخته است و معیار نمره گذاری آن (10 - 0) می‌باشد که به بررسی دیدگاه‌ها در رابطه با وضع موجود کتاب‌های درسی و وضع مطلوب آن می‌پردازد. پایایی آزمون براساس آلفای کرونباخ (=0.95) و روایی آن نیز از طریق نظر اساتید صاحب نظر در رشته‌های روانشناسی کودکان استثنایی و برنامه ریزی درسی محاسبه گردید که مورد تأیید و رضایت آنان قرار گرفت. شایان ذکر است در مرحله بعد به دلیل استفاده بهتر محقق از اطلاعات گروه‌های مد نظر و پنهان نماندن بخشی از نظرات، به انجام محاسبه نیمه ساختارمند از هر سه گروه منظور پرداخته شد. متغیرها و تعریف عملیاتی آنها عبارتند از:

- کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر: بر اساس تعریف انجمن امریکایی نقیصه‌های عقلی، به فردی اطلاق می‌گردد که دارای هوش بهری بین 55-50 تا تقریباً 70 می‌باشد. این افراد در مدارس استثنایی تحصیل می‌کنند؛ محقق در پژوهش حاضر از افراد با این رنج هوشی را مد نظر قرار داده است. (سیف نراقی و نادری، 1388: 47 دیکشنری کودکان استثنایی، 2010: 347).

- دوره متوسطه حرفه‌ای: عبارتست از حرفه‌هایی که سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور، جهت آموزش به دانش‌آموزان عقب مانده ذهنی آموزش‌پذیر پسر در نظر گرفته است و این حرفه‌ها در مدارس حرفه‌آموزی مقطع متوسطه در صورت 3 سال به آنان آموزش داده می‌شود.

- توانمندسازی شغلی: در این پژوهش منظور از توانمندسازی شغلی، میزان توانمندی‌ها و توانایی‌های دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر پسر از جهت تجربیات شغلی و تربیتی می‌باشد که در این تحقیق بر اساس پاسخ‌های سه گروه منظور به سؤالات پرسشنامه، میزان برخورداری افراد زیر مجموعه از این مهارت مشخص گردید.

- خودکفایی فردی: در این پژوهش منظور از خودکفایی فردی، انتخاب راه‌حل‌ها و تصمیمات برای زندگی آینده و آگاهی از تأثیر تصمیمات بر زندگی را در

نقد و بررسی نقش برنامه درسی دوره متوسطه ...

برمی‌گیرد. که در این تحقیق بر اساس پاسخ‌های گروه‌های متخصص و کارشناس و دبیر، به سؤالات پرسشنامه، میزان برخورداری افراد زیر مجموعه از این مهارت، مشخص گردید.

-مهارت‌های اجتماعی: در این پژوهش، آن نوع توانایی‌های شناختی و مهارتی جهت بهبود و موفقیت در زندگی روزمره دانش‌آموزان کم توان ذهنی، در راستای رسیدن به توانمندی شغلی است؛ که این فاکتور از طریق پاسخ‌های سه گروه متخصص، کارشناس و دبیر به سؤالات پرسشنامه مشخص گردیده است.

## روش:

به دلیل این که این پژوهش به دنبال مشخص نمودن «بررسی میزان تقویت توانمند سازی شغلی در برنامه درسی دانش‌آموزان کم توان ذهنی آموزش‌پذیر» می‌باشد؛ با توجه به ماهیت موضوع و اهدافش، از نوع زمینه‌ای است که می‌توان آن را در طبقه تحقیقات توصیفی قرار داد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردید. در تحلیل توصیفی؛ فراوانی، درصد و درصد تراکمی، میانگین و... و در تحلیل استنباطی از آزمون‌های (ANOVA) و تعقیبی (توکی) استفاده شده است.

## یافته‌ها:

سوال اول: آیا برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای متناسب با علایق و رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان می‌باشد؟ به این منظور ابتدا مشخصه‌های آماری مربوطه ارائه می‌شود.

جدول 1- مقایسه شاخص‌های آماری متناسب بودن برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای با علایق و رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان براساس نظرات دبیران، کارشناسان و متفحصان

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخصها منبع تغییر	
0/07	0/67	2/41	93	دبیر	متناسب بودن برنامه‌های
0/14	0/86	4/33	40	کارشناس	درسی دوره متوسطه
0/08	0/68	4/12	80	متخصص	حرفه‌ای با علایق و رغبت‌های
0/08	1/14	3/41	213	کل	شغلی دانش‌آموزان

با استفاده از روش تحلیل واریانس یک راهه نتایج زیر بدست آمد که در

جدول زیر خلاصه شده است

جدول 2- مقایسه میانگین متناسب بودن برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای با علایق و رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان براساس نظرات دبیران، کارشناسان و متفحصان.

نقد و بررسی نقش برنامه درسی دوره متوسطه ...

P	میزان f	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	شاخصها منبع تغییر
0/000	165/858	83/623	2	167/246	متناسب بودن برنامه‌های درسی دوره متوسطه
		0/504	210	105/878	حرفه‌ای با علایق و رغبت‌های شغلی
			212	273/124	دانش‌آموزان.

جدول بالا نشان می‌دهد که تفاوت بین گروه‌ها،  $F(2, 210)=165/858$ ، معنادار است.  $p < 0/05$ ؛ برای مقایسه میانگین‌ها از آزمون پیگیری توکی استفاده شد که نتایج زیر بدست آمده است:

مدول 3- نتایج آزمون پی گیری توکی برای مقایسه میانگین نظرات دبیران و

کارشناسان و متفحصان برنامه ریزی درسی.

P	خطای استاندارد	تفاوت میانگین ها	گروه‌های سه گانه		متغیر
0/000	0/13426	-1/9200(*)	کارشناس	دبیر	متناسب بودن برنامه های
0/000	0/10828	-1/7106(*)	متخصص	دبیر	درسی دوره متوسطه حرفه‌ای با
0/282	0/13750	0/2094	متخصص	کارشناس	علایق و رغبت‌های دانش‌آموزان.

همان طور که ملاحظه می‌شود تفاوت میانگین نظرات مربوط به متناسب بودن برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای با علایق و رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان توسط دبیران با کارشناسان و همچنین متخصصان معنادار است اما تفاوت میانگین بین گروه کارشناسان و متخصصان معنادار نیست. آزمون تعقیبی توکی نشان داد که دبیران بر خلاف نظر کارشناسان و متخصصان معتقدند که برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای با علایق و رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان تناسب کمتری داشته است.

سوال دوم: آیا برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای

فارغ‌التحصیلان این مقطع را به خودکفایی فردی میرساند؟

جدول 4- مقایسه شفافه های آماری فوئدکفایی فردی رساندن فارغ التمصیلان دوره متوسطه مرفه‌ای براساس نظرات دبیران، کارشناسان و متفصمان.

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخصها منبع تغییر	
0/08	0/73	2/22	93	دبیر	خودکفایی فردی رساندن فارغ التحصیلان دوره متوسطه حرفه‌ای
0/15	0/96	4/13	40	کارشناس	
0/10	0/87	4/08	80	متخصص	
0/09	1/25	3/28	213	کل	

با استفاده از روش تحلیل واریانس یک راهه نتایج زیر به دست آمد که در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول 5- مقایسه میانگین به فوئدکفایی فردی (سائیدن) فارغ التمصیلان دوره متوسطه مرفه‌ای بر اساس نظرات دبیران، کارشناسان و متفصمان.

P	میزان f	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	شاخصها منبع تغییر	
0/000	135/591	93/113	2	186/225	بین گروهی	خودکفایی فردی رساندن فارغ التحصیلان دوره متوسطه حرفه‌ای
		0/687	210	144/210	درون گروهی	
			212	330/435	جمع	

جدول بالا نشان می‌دهد که تفاوت بین گروه‌ها،  $F(2, 210)=135/591$ ،  $p < .05$ ؛ معنادار است. برای مقایسه میانگین‌ها از آزمون پیگیری توکی استفاده شد که نتایج زیر به دست آمده است:

جدول 6- نتایج آزمون پی گیری توکی برای مقایسه میانگین نظرات دبیران و کارشناسان و متفصمان برنامه ریزی درسی.

P	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	گروه‌های سه گانه		متغیر
0/000	0/15669	-1/9183(*)	کارشناس	دبیر	به خودکفایی فردی

نقد و بررسی نقش برنامه درسی دوره متوسطه ...

0/000	0/12636	-1/8683(*)	متخصص	دبیر	رساندن فارغ التحصیلان
0/948	0/16047	0/0500	متخصص	کارشناس	دوره متوسطه حرفه‌ای

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تفاوت میانگین نظرات مربوط به تأثیر برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای بر فاکتور رسانیدن به خودکفایی فردی فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه حرفه‌ای توسط دبیران با کارشناسان و همچنین متخصصان معنادار است اما این تفاوت میانگین بین گروه کارشناسان و متخصصان معنادار نیست. آزمون تعقیبی توکی نشان داد که دبیران بر خلاف نظر کارشناسان و متخصصان معتقدند که برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای بر رسانیدن فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه حرفه‌ای به خودکفایی فردی اثرات کمتری داشته است.

سوال سوم: آیا برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای در توانبخشی حرفه‌ای دانش‌آموزان تأثیر دارد؟ به این منظور ابتدا مشخصه‌های آماری مربوطه ارائه می‌شود.

جدول 7- مقایسه مشفصه‌های آماری توانبخشی مرفه‌ای دانش‌آموزان بر اساس نظرات دبیران، کارشناسان و متفحصان.

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخصها منبع تغییر	
93/00	0/72	1/97	93	دبیر	توانبخشی حرفه‌ای دانش‌آموزان
40/00	1/10	4/15	40	کارشناس	
80/00	1/14	3/90	80	متخصص	
213/00	1/40	3/10	213	کل	

با استفاده از روش تحلیل واریانس یک راهه نتایج زیر به دست آمد که در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول 8- مقایسه میانگین توانبخشی مرفه‌ای دانش‌آموزان بر اساس نظرات دبیران، کارشناسان و متفحصان.

P	f	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	شاخصها منبع تغییر	
0/000	114/275	107/528	2	215/056	بین گروهی	توانبخشی حرفه‌ای دانش‌آموزان
		0/941	210	197/602	درون گروهی	
			212	412/658	جمع	

جدول بالا نشان می‌دهد که تفاوت بین گروه‌ها،  $F(2, 210) = 114/275$ ;  $p < .05$  معنادار است. برای مقایسه میانگین‌ها از آزمون پیگیری توکی استفاده شد که نتایج زیر به دست آمده است:

جدول 9- مقایسه میانگین نظرات دبیران و کارشناسان و متخصصان برنامه ریزی درسی.

P	خطای استاندارد	تفاوت میانگین ها	گروههای سه گانه		متغیر
			کارشناس	دبیر	
0/000	0/18342	-2/1823(*)	کارشناس	دبیر	توانبخشی
0/000	0/14792	-1/9364(*)	متخصص	دبیر	حرفه‌ای
0/392	0/18785	0/2458	متخصص	کارشناس	دانش‌آموزان

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تفاوت میانگین نظرات مربوط به تأثیر برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای بر توانبخشی حرفه‌ای دانش‌آموزان توسط دبیران با کارشناسان و همچنین متخصصان معنادار است اما این تفاوت میانگین بین نظرات گروه کارشناسان و متخصصان معنادار نیست. آزمون تعقیبی توکی نشان داد که دبیران بر خلاف نظر کارشناسان و متخصصان معتقدند که برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای بر توانبخشی حرفه‌ای دانش‌آموزان اثرات کمتری داشته است.

### بحث و نتیجه گیری:

برنامه آموزش حرفه‌ای دانش‌آموزان کم توان ذهنی در ایران، طی چند سال گذشته رو به گسترش بوده و فرایندی تکاملی را تجربه نموده است؛ از زمان شروع توجه به این حیطة تاکنون افزایش کمی پوشش آموزش‌های حرفه‌ای و در نهایت، تغییر و تحول دوره‌های حرفه‌آموزی و تأسیس دوره‌های آموزش پیش حرفه‌ای و دوره متوسطه حرفه‌ای، در مجموع نمایانگر ایده‌های ارزنده، برای دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه می‌باشد. هر چند تمامی فعالیت‌های ارزنده و تلاش‌های بی‌دریغ صورت پذیرفته، شایان تقدیر و شایسته ارج گذاری است، لیکن راضی بودن و قانع گردیدن به وضع موجود و نادیده گرفتن خلاءها و کاستی‌های آموزش حرفه‌ای در ایران می‌تواند آفتی باشد که حتی وضع موجود را نیز دچار چالش نماید. «در هر صورت باید به خاطر داشت که افراد کم توان ذهنی در بین کمبودهای سازشی در زمینه توانایی‌های شغلی، مشکلات بیشتری را به نمایش می‌گذارند.» (ویری و



همکاران، 2004) در این میان دیدگاه برنامه ریزان، کارشناسان و مجریان برنامه یکی از عوامل اثرگذار بر بهبود این خطر سیر است.

نتایج حاصل از سوال اول تحقیق بیانگر این مطلب است که بین نظر دبیران با کارشناسان ستادی و متخصصان برنامه ریزی درسی در مورد متناسب بودن برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای با علایق و رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان، تفاوت معنادار آماری وجود دارد و دبیران برخلاف کارشناسان و متخصصان معتقدند که برنامه درسی دوره متوسطه حرفه‌ای با علایق و رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان تناسب کمتری داشته است، دلایل احتمالی این تفاوت معنادار را می‌توان اینگونه برشمرد:

عدم وجود سنجش حرفه‌ای در مدارس؛ زیرا این مقوله تعیین می‌کند که کدام دانش‌آموز با چه استعدادی به سوی چه حرفه‌ای هدایت شود. همچنین دبیران در تماس مستقیم با والدین دانش‌آموزان می‌باشند و از فعالیت‌های روزانه آنان در هنگام تحصیل و پس از تحصیل به میزان بیشتری از کارشناسان ستادی و متخصصین برنامه‌ریزی درسی مطلع می‌باشند و بنابر نتایج مصاحبه انجام شده؛ دبیران از عدم وجود تنوع حرفه‌ای در این مقطع، ناخرسندند. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهشی محسنی صدر (1382)، اصغری نکاح (1387)، هارتاس (2008). همسو می‌باشد؛ ارایه دروس مبتنی بر تمرین و تکرار، تأکید بر دروس نظری و جایگاه و خالی توجه به تفاوت‌های فردی در نظام آموزشی آموزش و پرورش استثنایی از دلایل عمده عدم تناسب برنامه‌های درسی با علایق و رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان می‌باشد.

نتایج حاصل از سوال دوم تحقیق نمایانگر این مطلب است که میان نظر دبیران با کارشناسان ستادی و متخصصان برنامه‌ریزی درسی در زمینه تأثیر برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای بر رسانیدن دانش‌آموزان کم توان ذهنی به خودکفایی فردی، تفاوت معنادار آماری وجود دارد و دبیران بر خلاف نظر کارشناسان و متخصصان معتقدند که برنامه درسی دوره متوسطه

نقد و بررسی نقش برنامه درسی دوره متوسطه ...

حرفه‌ای بر خودکفایی فردی دانش‌آموزان تأثیر کمتری داشته است. دلایل احتمالی وجود این تفاوت نظرات را می‌توان این گونه برشمرد که:

نگرش امروزه در جهان نسبت به افراد کم توان ذهنی همانند افراد عادی است و باید آنان به حداکثر توان بالقوه خود برسند و هیچ تفاوتی با افراد عادی ندارند تنها یادگیری آنها با روند تأخیر و به کندی انجام می‌شود. (بهراد، 1383:4) و نظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارشناسان ستادی در ایران بر این است که باید آموزش فراگیر در زمینه این دانش‌آموزان اجرا گردد یعنی آنان کاملاً در کنار دانش‌آموزان عادی دیگر به امر آموزش بپردازند اما بنابر مصاحبه انجام شده با دبیران، در این مقوله، همگی بر این مبحث اذعان داشتند که: دانش‌آموزان مقطع متوسطه حرفه‌ای کاملاً وابسته به معلم خویش هستند و در صورت نبود او دچار سردرگمی و بی‌برنامگی می‌شوند، کتاب‌های تعبیه شده حجم بالا دارد و بر مبنای خاصی استوار است که شاید حتی برای زمان حال دانش‌آموز هم کارایی کمتری داشته باشد و آنان از عدم وجود فاکتور مهارت‌های زندگی «تصمیم‌گیری، ارتباط انسانی، شهروند مسئول بودن، حل مسأله» که لازمه خودکفایی فردی است، در این مقطع ناخرسندند. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهشی متقیانی (1380)، دارابی (1383)، صمدی (1387) دیچمن (2008) همسو می‌باشد. عدم وجود ارزیابی تکوینی و پایانی از برنامه‌های درسی مقطع متوسطه حرفه‌ای، توسط کارشناسان ستادی و برنامه‌ریزان درسی خاص این مقطع می‌تواند دلیلی بر تأثیر کم برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای بر رسانیدن دانش‌آموزان به خودکفایی فردی باشد.

نتایج حاصل از سوال 3 تحقیق: بیانگر این مطلب است که بین نظر دبیران با کارشناسان ستادی و متخصصان برنامه‌ریزی درسی، در زمینه تأثیر برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای بر توانبخشی حرفه‌ای دانش‌آموزان کم توان ذهنی آموزش پذیر، تفاوت معنادار آماری وجود دارد و دبیران بر خلاف نظر کارشناسان و متخصصان معتقدند که برنامه درسی

دوره متوسطه حرفه‌ای بر توانبخشی حرفه‌ای دانش‌آموزان، اثرات کمتری داشته است. دلایل احتمالی این تفاوت نظرات را می‌توان این گونه برشمرد که: دبیران از مجریان اصلی نظام آموزشی هستند و با توجه به تجربه و مشاهده عینی که از نیازهای خاص دانش‌آموزان کم توان ذهنی کسب کرده‌اند به ضرورت و اهمیت غنی شدن مطالب نظری و در کنار آن؛ مهارتی، جهت کسب موفقیت دانش‌آموزان کم توان ذهنی در محیط اجتماع، واقف‌ترند و از عدم اجرای درست برنامه درسی در کسب این مهارت، ناخرسندند. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهشی شهرامی و متقیانی (1378)، بهراد (1380)، صمدی (1387)، وورث (2004) هم سویی دارد. ارایه الگوهای یاددهی-یادگیری سنتی و جایگاه خالی الگوهای یادگیری اجتماعی در نظام آموزشی یکی از دلایل ضعف برنامه‌های درسی توانمند سازی شغلی از دیدگاه دبیران می‌باشد.

اگر دیدگاه متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارشناسان ستادی که در نظام آموزش و پرورش استثنایی در تألیف کتب نقش کلیدی را دارند؛ مبنا قرار دهیم؛ هم اکنون باید شاهد این باشیم که حداقل نیمی از دانش‌آموزان کم توان ذهنی پس از فراغت از دوره متوسطه، وارد بازار کار شده باشند! و یا حداقل با توجه به مهارت‌های توانبخشی حرفه‌ای که در کتاب‌ها موجود باشد. آنان به توانمندی شغلی رسیده و بتوانند در ایجاد فرصت‌های خود اشتغالی موفق باشند. با توجه به مصاحبه صورت گرفته دبیران از عدم وجود حمایت‌های پس از تحصیل از گروه دانش‌آموختگان کم توان ذهنی، عدم نقش معلم در تألیف کتاب‌ها، عدم وجود فرصت‌های شغلی در کتاب‌ها، عدم وجود مکان مناسب کارگاهی جهت توانمندسازی حرفه‌ای، کمبود زمان با توجه به حجم بالای مطالب نظری در برنامه درسی دانش‌آموزان کم توان ذهنی آموزش‌پذیر ناخرسندند. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهشی غفار تبریزی (1369)، عابدین‌زاده (1374)، وورث (2004)، شهرامی و متقیانی (1376)، قلعه (1380)، عنبرزاده (1383) هارتاس (2008)، همسو می‌باشد. عدم وجود دوره کارورزی خاص این گروه ویژه، در برنامه درسی، عدم حمایت پس از تحصیل

نقد و بررسی نقش برنامه درسی دوره متوسطه ...

دانش آموختگان کم توان ذهنی، تناسب کم محتوایی مطالب آموزشی با نیازهای روزمره، عدم تناسب کتاب‌های درسی با موقعیت جغرافیایی و فرصت‌های شغلی مناطق گوناگون کشور، عدم وجود مراکز کارآفرینی خاص دانش آموختگان کم توان ذهنی، از دلایل عمده اثر کم برنامه‌های درسی دوره متوسطه حرفه‌ای بر توانبخشی حرفه‌ای دانش‌آموزان می‌باشد.

با توجه به اهمیت بالای توانمندسازی شغلی دانش‌آموزان کم توان ذهنی آموزش‌پذیر و پیچیدگی‌ها و چالش‌هایی که این مقوله مغفول از تعلیم و تربیت تاکنون داشته است، همچنین ضرورت آموزش فراگیر که بحث عمده نظام آموزشی جهانی در حیطه افراد کم توان ذهنی است، ضروری است؛ نظام آموزشی ایران نیز، اهداف، روش‌ها، محتوا، شیوه‌های ارزشیابی و سایر عناصر برنامه درسی و تعلیم و تربیت را بررسی نموده و متناسب با نیازهای دوره‌های متفاوت تحصیلی، جنسیت، توانایی‌های دانش‌آموزان، مسایل زندگی، واقعیت‌ها و چشم اندازهای منطقی، مهارت‌های لازم جهت تربیت شغلی و حرفه‌ای را جهت زندگی سازگارانه دانش‌آموزان بیش از پیش مدنظر قرار دهد. پیشنهادهای کاربردی:

- به صاحب نظران و برنامه‌ریزان برنامه‌های درسی آموزش و پرورش بویژه آموزش و پرورش استثنایی (خاص کم توان ذهنی) پیشنهاد می‌گردد به دروس و موضوعات مبتنی بر توانمندی سازی شغلی، چه به طور صریح و چه به طور ضمنی و متناسب با وضعیت رشد دانش‌آموزان کم توان ذهنی، بیشتر توجه و تأکید نمایند.

- با توجه به تفاوت‌های فردی میان دانش‌آموزان کم توان ذهنی آموزش‌پذیر، پیشنهاد می‌گردد قبل از ورود به دوره راهنمایی (پیش حرفه‌ای) و متوسطه حرفه‌ای، از آنان سنجش حرفه‌ای به عمل آید.

- با توجه به اهمیت احساس خود کفایی در گروه کم توان ذهنی، نیل به اهداف برنامه درسی کاملاً کاربردی که تقویت کننده فاکتور مهارت زندگی در آنان می‌باشد؛ ضروری است.

- با توجه به نیازهای متفاوت مناطق جغرافیایی در مشاغل، وجود کتاب مشاغل خاص هر استان، از ضروریات است.

- تأکید بر برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت معلمان، جهت آموزش هر چه بیشتر آنان با جدیدترین مطالب آموزش به دانش‌آموزان متوسط حرفه‌ای، از سوی کارشناسان ستادی.

- تأکید بر برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده خاص والدین دانش‌آموزان کم توان و بهره‌گیری از روانشناسان و برنامه‌ریزان متبحر در این زمینه.

- پیشنهاد می‌گردد بر بهره‌بردن معلمان از روش‌های تدریس مبتنی بر رویکردهای فعالانه، مشارکتی، گروهی، فراگیر محور و یادگیری محور تأکید گردد.

- پیشنهاد می‌گردد با تأکید مسئولان و متولیان نظام آموزشی تبلیغات رسانه‌ای جهت آشنایی جامعه با این گروه خاص؛ بیشتر گردد.

### کتابنامه:

- آیین‌نامه آموزشی دوره متوسطه حرفه‌ای خاص دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، (1387)، تهران، سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور، ص 3-2.
- اصغری نکاح، سید محسن، (1382)، «تأملی در باب آموزش‌های حرفه‌ای به دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی». گاهنامه تخصصی آموزش مهارت‌های حرفه‌ای، مدیریت آموزش و پرورش استثنایی استان خراسان، ص 20-25.
- بهراد، بهنام، (1383)، آموزش حرفه‌ای برای دانش‌آموزان مبتلا به کم‌توانی هوشی، پژوهشکده کودکان استثنایی، ص 2-35.
- بهراد، بهنام و شهرامی، علی، (1379)، فرایند ارزیابی حرفه‌ای. راهنمایی برای ارزیابی غیررسمی دانش‌آموزان مبتلا به کم‌توانی هوشی، پژوهشکده کودکان استثنایی، 12-20.
- دارابی، رضا، (1381). «مقایسه هوش و مهارت‌های حرکتی دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر 16-20 سال در کارگاه‌های مهارت‌های حرفه‌ای شهر تهران» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، واحد تهران مرکزی، ص 61-97
- سیف نراقی، مریم، نادری، عزت‌اله، (1388)، «روانشناسی کودکان عقب‌مانده ذهنی و روش‌های آموزش آنها»، تهران: سمت
- سیف نراقی، مریم، نادری، عزت‌اله، (1388). «روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی»، تهران: ارسباران
- شفیق آبادی عبدالله، (1388)، «توانبخشی شغلی و حرفه‌ای معلولین». تهران: جنگل
- شهرامی، علی. متقیانی، رضا، (1383)، ارزشیابی مقدماتی از دوره مهارت‌های عمومی دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر، پژوهشکده کودکان استثنایی

- عنبرزاده، طاهره، (1383)، «بررسی رابطه هوش و رفتار سازشی با کسب مهارت‌های حرفه‌ای در دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه علامه طباطبائی

- غفار تبریزی، ربابه، (1380)، «بررسی وضعیت شغلی و حرفه‌ای فارغ التحصیلان مدارس عقب‌مانده ذهنی آموزش و پرورش شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: واحد تهران مرکزی

- قلعه، پروین، (1370)، «بررسی وضعیت اشتغال افراد عقب‌مانده ذهنی آموزش و پرورش شهر تهران» پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

- محسنی صدر، علی، (1382)، «بررسی و مقایسه حرفه‌های موجود در سازمان آموزش و پرورش استثنایی که متناسب با توان و علاقه دانش‌آموزان عقب‌مانده است»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

- Alo Dutta & Robert Gervey & Foong chan & Chih-Chin Chou & Nicole Dichman (2008). "Vocational Rehabilitation Services and Employment Outcomes for People With Disabilities: Aunited States Study". Journal of Occupational Rehabilitation, No18, p. p,326-334

- Bottom, G. & Person, A. (2000). " Using Lessons Learned: Improving The Academic achievement of Vocational students". Educational Benchmarks 2000 Series. Atlanta, GA: Southern Regional Education Board. <http://www.sreb.org/>.

- Cecil R. Reynolds & Elaine fletcher- Janzen (2007) "Encyclopedia of Special Education", Pub John Wiley & Sons. Hoboken , New jersey Pub. Simultaneously in Canada, p. p,1347-1350

-Dennis Gilbride & Robert Stensrud & Craig Peterson. (2000), "Employers' Attitudes toward Hiring persons with Disabilities and Vocational Rehabilitation Services". Journal of Rehabilitation, No66(4). P. P,17-23

- Findley, William Louis(1967)," A follow – Up of The financial Assets And Liabilities of Mentally Retardation Youth As Related To The Cost of Vocational Training in four Public School system". Journal of special Education , No17(2),P. P,24-52
- Frank, A. R. and Singleton,P. L. ,(2000)"Young Adults with mental disabilities- Does transition Planning make A difference?. Journal of Education and Training in Mental Retardation and Developmental Disabilities",NO35(6)P. P,119-134
- Hakim, Simon,&Weinblatt,J(1993)" The Delphi Process as a tool for decision making. The case of Vocational training of people with handicaps". Journal of Evaluation and program planning, No16(4), P. P,25-38
- Harry W. C. Michon & Jaap Van Weeghel & Hans Kroon & Art H. Schene. (2005) , "Person- Related Predictores of employment outcomes after Participation in psychiatric Vocational rehabilitation programmes A systematic review". Journal of Socpsychiatry Psychiatr Epidemiol. No40(9),P. P,408-416
- John Wads Worth& CRC,NCC,Amy Milsom&Karen Cocco(2004). " Career Development for Adolescents and Young Adults withMental Retardation. Journal of Career And Technical Education" No, 8(2),P. P,141-147
- Joyce, Peter J. , & Voytek,Kenneth p. (1996). " Navigating The new Workplace". Journal of Vocational Education. No, 71(5). P. P,42-55
- Kika Hadjikakou, Dimitra Hartas (2008). " Higher Education Provision For Students With Disabilities in Cyprus" International journal of Special education No,24(2),P. P,55-65
- Knight , Peter. & York, Mants(2002). " Learning and employability, Judging And Communicating Achievements. ITSN Generic Center, Learning and Teaching Support Network". . www. itsn. ac. uk



- Kirk,S, Gallager & J, Anastasiow & N,Coleman, M. R(2005). "Educating Exceptional Children". Hoghton Mifflinco Company P. P,523-570
- Lankard, Bettina(2002)," Generic Skills in Career and Technical Education". Eric Digest, No,22,
- Lynch, Richard l. (2000), "High School Career and technical education for the first decade of The 21 St Century". Journal of vocational education research. No25(2), P. P1022-1030
- Michael shahnasarian (2001). " Career Rehabil itation: integration of Vocational Rehabilitation and Career Development in the twenty – first Century". Journal of the Career Development a uar terly , 49(3), 275-283.
- Peter Jones & Ruth A. Schmidt (2004). "Retail Employment and disability". International Journal of Retail & Distribution Management. No,32 (9), 426-429
- Razeghi. Jane. A. (1998). "Afirst Step toward solving the problem of special education dropouts: Infusing Career education in to the curriculum". Journal of Intervention in school and clinic, No,33(3),P. P24-50
- Richens, G. & Meclain , G. R(2000). "Work place basic Skills for The new millemium". Journal of Adult EducationNo,28(1),P. P,100-105
- Ross MG,Biggi IM. (1986). "Critical Vocational Rehabilitation Service delivery issues at referral(02) and closure (08,26,28,30) in serving select disabled persons: proceedings of the national conference" Harward University, Washangton DC;39-50
- Stefan Watzke & Anja Galvao & peter Brieger (2009). "Vocational Rehabilitation for subjects with sever mental illnesses in Germany". Journal of soc Psychiatry Psychiatr EP: demiol 44. 523-531
- Tekin Arsalan & Bulbin Sucoglu(2007),"Effectiveness of cognitieve process Approached Social Skills Training Program

- for people with Mental Retardation". International Journal Of Special Education NO,22(3),P. P,120-127
- Unesco And ILO Recommendations (2002). "Technical and Vocational Education And Training For The Twenty-First Century". <http://unevoc.unesco.org>
  - Verri, Annapia and Dimitrina Kaltcheva & Emanuela Vallero & Arrigo Moglia & Fabrizio Fea(2004). " Supported Employment of Subjects With Mental Retardation in Pavia Province". Journal of Vocational Rehabilitation. No,21(1). P. P,25-37
  - Wallace, G&MC Loughlin , J(2005)"Learning disabilities: Concepts and characteristics". Publisher: Allyn & Bacon P. P,128-170
  - Ysseldyke, Jim & Bob Algozzine(2006). "Working With families and Community Agencies To Support Special Needs: A Practical Guide for Every Teacher". Corwin press. Thousand oaks; Colifornia, P. P,1135-1230
  - Zolingen, S. ,& Van, J. (2002). University of Nijmegen. "The role of key qualification in the Transition from Vocational Education To Work". Journal of Vocational Education Research. No27(2). P. P,57-65